

شاخص‌های مفهوم‌پردازی از اصطلاح «منفعت عمومی» براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

علی اصغر پورعزت *

استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مریم دمرچی لو

کارشناسی ارشد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پاکنوش کیانی

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۰۳

دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۸



چکیده: واژه منفعت در قلمرو اقدام به اداره امور، به طور عام و در قلمرو دانش اداره و حکمرانی به طور خاص، برای تأمین منافع عامه جامعه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در فراگرد خطمشی‌گذاری عمومی، به منزله معیار تعیین شاخص ارزشیابی عملکرد حکمرانان، نقشی محوری ایفا می‌کند. خطمشی‌گذاران بنا به شرایط زمان اجرای خطمشی، تعابیر گوناگونی از واژه منفعت عمومی داشته و درجات ناهمگونی را مدنظر قرار می‌دهند. اصطلاح منفعت عمومی در مباحث خطمشی عمومی از اهمیت بالایی برخوردار بوده، در پرتو آراء و نظریه‌های متعددی، باز تعریف می‌شود. پرسش اصلی این پژوهش آن است که «مفهوم منفعت عمومی چیست و شاخص‌های مفهوم‌پردازی از آن براساس قانون اساسی ایران کدامند؟» بدین منظور، با مراجعه به خبرگان، ضمن بررسی دیدگاه‌های آنان، مفهوم منفعت عمومی و شاخص‌های آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از طریق تحلیل محتوا و ابزار مصاحبه رصد شدند. این شاخص‌ها و مؤلفه‌ها در قالب ۱۲ مضمون تعریف شدند و در امتداد آن، مدل خام پژوهش تهیه شد و در پایان، راهکارهای عملی برای تبیین مفهوم منفعت عمومی در مدیریت دولتی، به مثابه مفهوم محوری خطمشی در دانش پیشنهاد شد.

واژگان کلیدی: منفعت عمومی، منفعت ملی، قانون اساسی، خطمشی عمومی، دولت - ملت تأثیرگذار.

* نویسنده مسئول: pourezzat@ut.ac.ir

مقدمه

خطمشی‌های عمومی، از طریق مراجع ذی‌صلاح وضع می‌شوند و به‌مثابه کهن‌الگوهای راهبری حکومت، امور جاری جامعه را راهبری می‌کنند. خطمشی‌های عمومی «نماینده و بیانگر منافع عمومی»^۱ هستند؛ در واقع، برای تدوین خطمشی‌های معطوف به رفع مشکلات جامعه، همواره باید منفعت عمومی نیز مدنظر قرار گیرد. منفعت عمومی از مفاهیم محوری در حوزه خطمشی‌گذاری عمومی است که به‌ویژه در بحث از خطمشی و ارزشیابی عملکرد دولت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حتی می‌توان گفت که واژه خطمشی برای تعیین حدود وظایف و اولویت‌های سیستم خطمشی‌گذاری عمومی، در کنار اصطلاحاتی چون منفعت ملی، مصلحت عمومی و مصلحت ملی، بهتر تبیین می‌شود. در همین امتداد، منفعت عمومی به‌مثابه مقوله‌ای بسیار مهم در قلمرو علم اداره مدنظر قرار می‌گیرد؛ مقوله‌ای که می‌توان تعهد به آن را شاخص ارزشیابی خطمشی‌های عمومی، تلقی کرد. منفعت عمومی مفهومی مبهم و سیال بوده، برای افراد گوناگون معانی متفاوت داشته، و در طول زمان تغییر می‌کند. اگر چه تصور بر این است که منافع عمومی به راحتی قابل‌تعریف‌اند، اما این منافع، معمولاً دارای وجوه ناهمگون بوده، با درجات متفاوتی از اهمیت، در مواجهه با گذشته، حال و آینده تعریف می‌شوند؛ در همین امتداد، هاروارد اسمیت^۲ بر آن است که هر چند اصطلاح منافع عمومی، یک افسانه است، اما افسانه‌ای مفید است؛ بنابراین هرچند در باره معنا و مفهوم منفعت عمومی و شاخص‌های آن، اتفاق نظر وجود ندارد، ولی این مفهوم همچنان در گفتمان عمومی و ادبیات آکادمیک، حائز اهمیت است (نرگیسیان، ۱۳۹۰: ۳۰۸).

این پژوهش درصدد واکاوی مفهوم منفعت عمومی و شاخص‌های سنجش آن است.

مفهوم منفعت عمومی

دامنه شمول مفهوم «منفعت عمومی» همانند دامنه شمول مفهوم «عمومی» (Public)، گسترده است. در این رویکرد، مفهوم کلی منفعت عمومی به بیشترین نسبت سهم عامه دلالت دارد (Morrison & Svennevig, 2002: 1). این مفهوم، نسبی، اتفاقی و انعطاف پذیر است و تحت تأثیر تغییرات زمان و مکان قرار می‌گیرد (حاج زاده، ۱۳۹۳، ۶).

به زعم فلتن^۳ «منفعت عمومی» برای ارزشیابی خطمشی‌های عمومی و پیامدهای نهایی آن‌ها برای جامعه، مورد استفاده قرار می‌گیرد (Flathman, 1966: 8-9). از منظری دیگر،

1. Public Interest
2. Harvard Smith
3. Richard E. Flathman

منفعت عمومی هنگامی تحقق می‌یابد که «در یک دموکراسی انتخابی، شهروندان حق شرکت و تأثیرگذاری بر فراگرد تصمیم‌گیری دولتی و تدوین خط‌مشی در موضوعات مربوط به خود را داشته باشند» (Carter & Bouris, 2006: 3)؛ در حالی که هی‌وود^۱، منفعت عمومی را در برگیرنده منافع عمومی یا جمعی هر جامعه می‌داند؛ یعنی منفعت عمومی آن است که برای جامعه به‌مثابه یک کل، خوب است (پورعزت، ۱۳۹۰: ۲۰۴).

منفعت عمومی را می‌توان بر اساس اصول و معیارهایی کلی، مفهوم‌پردازی کرد؛ به نحوی که فقط یکسری منافع خاص را در برنگیرد و استفاده محدود از یک خدمت، آن را از دایره منفعت عمومی خارج نسازد. بنابراین، منفعت عمومی شامل هرآن چیزی است که برای همه یا تعداد بسیاری از عامه جامعه، حائز اهمیت و ارزش است و از منظر عامه، دارای مطلوبیت است؛ فارغ از اینکه عملاً هم از آن منتفع شده‌اند یا خیر؟ این دیدگاه را می‌توان در تعریف انجمن بین‌المللی حسابداران (IFAC) از منفعت عمومی مشاهده کرد که در آن (Public) شامل بزرگ‌ترین دامنه جامعه و (Interest) شامل هر آن چیزی است که نزد عامه جامعه، دارای ارزش است؛ نظیر حق مالکیت، آزادی‌های اقتصادی و قدرت سیاسی. البته تعریف تخصصی انجمن بین‌المللی حسابداران از منفعت عمومی، عبارت است از «مزایای خالص و رویه‌های دقیقی که هم به پیامدها و نتایج حل یک مشکل و هم راه‌های تحقق این پیامدها و نتایج»، معطوفند. بنابراین تعریف، هر آن چیزی که نیازهای اساسی مشروع شهروندان را برآورده می‌سازد، منفعت عمومی تلقی می‌گردد (حاج‌زاده، ۱۳۹۳: ۹). در این امتداد، شاید بتوان ادعا کرد که مهم‌ترین اصطلاح در قاموس مدیریت دولتی، منفعت عامه است. به عبارتی، مرز اصلی مدیریت در بخش دولتی و خصوصی، در آن است که بخش خصوصی به منفعت شخصی و بخش دولتی به منفعت عمومی می‌اندیشد؛ ضمن اینکه بخش دولتی باید همه چیز را در راستای تحقق منفعت عامه سامان دهد. بنابراین، تحقق منافع عامه، عالی‌ترین هدف غایی در سازمان‌های دولتی است (دانایی‌فرد، ۱۳۹۱: ۲۶).

رویکردهای متفاوت به منافع عمومی بر مبنای طرح کلارک کوکران^۲، به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

مدل‌های مبتنی بر هنجارهای عمومی که از منظر اندیشمندان اجتماعی، علاوه بر توصیف آنچه که هست، برای تجویز آنچه که باید باشد، نیز کاربرد دارند. در مدل‌های هنجاری، «منافع عمومی»، یک معیار اخلاقی و معنوی برای ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی تلقی می‌شود. بنا بر

1. Andrew Heywood
2. Clarke E. Cochran

دیدگاه طرفداران این مدل در مقوله اداره امور سیاسی، مراتب تحقق منافع عمومی، بالاترین معیار اخلاقی تلقی می‌شود.

مدل‌های مبتنی بر براندازی منافع عمومی که برآند منافع عمومی نوعی حس بردگی را القاء می‌کند. آنها بر این باورند که مفهوم منافع عمومی نه معنادار است نه مهم! این اندیشمندان یکی از دو مسیر استدلال زیر را رصد می‌نمایند:

مسیر استدلالی اول) منافع عمومی نمی‌تواند به‌صورت مستقیم، موردسنجش یا مشاهده قرارگیرد. بنابراین، معتبر و ارزشمند نیست.

مسیر استدلالی دوم) انتخاب‌های فردی، بهترین روش برای درک فراگرد خطمشی و تدوین آن هستند؛ بنابراین، الزامی برای تبیین مفهوم منافع عمومی وجود ندارد.

مدل مبتنی بر فراگرد سیاسی که در آن، مفهوم منافع عمومی را با بهره‌گیری از فراگرد خطمشی‌گذاری عمومی تعریف می‌کنند. در این دیدگاه، شناخت منافع عمومی از طریق یک فراگرد مشخص انجام می‌شود که به منافع انباشته، اجازه می‌دهد تا متوازن گردند یا سازگار شوند. برای نمونه، هاروارد اسمیت اظهار می‌کند که منافع عمومی مناسب‌ترین مفهوم سیاسی شناخته‌شده است که بر نوع خاصی از یک فراگرد تصمیمی که باید اتخاذ شود، دلالت دارد. به عبارت دیگر، طرفداران این دیدگاه معتقدند که «رویه یا فراگرد دستیابی به منفعت عمومی»، از آنچه که «منفعت عمومی» نامیده می‌شود، مهم‌تر است؛ یعنی مهم این است که فراگرد به درستی طی شود، نتیجه خوب حاصل خواهد شد.

مدل‌های مبتنی بر ارزش‌های مشترک که کوکران، آنها را مدل‌هایی توافقی و متمایل به جلب رضایت طرفین^۱ می‌نامد. طرفداران دیدگاه‌های توافقی و اجماعی، منافع عمومی را یک مفهوم مبهم، اما ارزشمند می‌دانند که خطمشی را به توافق در باره ارزش‌های عمومی معطوف می‌سازد. این ایده با تعریف استون^۲ از منافع عمومی که وی آن را در ارتباط با مفهوم شهر^۳ یا جامعه سیاسی توضیح می‌دهد، همسان است. استون مفهوم شهر را در مقابل مفهوم بازار یا انباشت منافع فردی (دیدگاه‌های بردگی) در نظر گرفته، تأکید می‌کند که تحقق منافع عمومی، حاصل پیگیری فعال و آگاهانه ارزش‌های جمعی است (نرگسیان، ۱۳۹۰: ۳۱۰-۳۰۸).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، سیر تکامل منافع عمومی از دیدگاه‌های گوناگون قابل رصد است. همین تنوع دیدگاه‌ها نیز بر مراتب ابهام این مفهوم افزوده است.

1. consensualist
2. Stone
3. polis

منفعت عمومی و اصطلاحات جانشین آن

از زمره اصطلاحاتی که بارها جایگزین منفعت عمومی شده و با آن یکسان تلقی می‌شوند، عبارتند از منفعت ملی و مصلحت عمومی.

«منفعت ملی»، یکی از کلیدی‌ترین دانش‌واژه‌های علوم سیاسی است که دربرگیرنده حیاتی‌ترین نیازهای یک دولت بوده، در واقع از جمله مؤلفه‌های مؤثر در رفتارشناسی دولت‌ها به شمار می‌رود. از لحاظ نظری، این مفهوم را اولین بار، بیرد^۱ با انتشار دو اثر به نام‌های «ایده منافع ملی»^۲ و کتاب «درب گشوده خانه»^۳، به اوج و شکوفایی رساند. نکته جالب توجه و تأمل آنکه اصطلاحاتی چون «اراده شاهانه»، «منافع نظام شاهنشاهی» و «ملاحظات عالیه کشوری» نیز از اسلاف اصطلاح منافع ملی تلقی می‌گردند (عسگری، ۱۳۸۰: ۹۶). نکته دیگر آنکه بیشترین توجه نسبت به مفهوم منافع ملی، در سال‌های اولیه بعد از جنگ جهانی اول و همزمان با رشد و گسترش مکتب رئالیسم در حوزه تحلیل‌های سیاسی به رهبری مورگنتا، معطوف گشت. مورگنتا همچون سیاستمداران قرن هجدهم، منافع ملی را به «صیانت از قدرت دولت» تعریف کرده و همانند ایشان معتقد است که این منافع باید در چهارچوب عقلانیت حاکم بر شاخه اجرایی حکومت درک شود (کلینتون، ۱۳۷۹: ۶۱-۶۰). به اعتقاد سینگر^۴، رئیس انجمن مطالعات بین‌المللی^۵، منفعت ملی چشم‌انداز مبهمی است که غالباً جهان در آن ملاحظه می‌شود، دشمنان با آن شناسایی و محکوم می‌شوند، تابعیت شهروندان نیز با استناد به آن، مشخص و در نتیجه، اعمال و رفتار دولت از منظر اخلاقی، تأیید شده و بر کارایی ایشان افزوده می‌شود (کلینتون، ۱۳۷۹: ۲۰-۱۹). بر این اساس، مفهوم منفعت ملی، «ابزاری است برای توصیف، توضیح و یا ارزشیابی و تطبیق خطمشی‌های داخلی و خارجی یک دولت» و در عرصه دیپلماسی «وسیله‌ای است در خدمت توصیه و تقبیح و یا پیشنهاد خطمشی‌ها»؛ در هر دو صورت، این مفهوم به چیزی اشاره دارد که برای یک جامعه ملی، بهترین است (پورسعید، ۱۳۸۱: ۶۹۵).

عینی‌گرایان، منافع ملی را «بنیانی در جهت تحلیل توفیق و کارآمدی خطمشی‌هایی می‌پندارند که توسط دستگاه دیپلماسی رصد می‌شوند». در حالی که ذهنی‌گرایان معتقدند که نمی‌توان منفعت ملی را در قالب واقعیتی عینی مدنظر قرار داد. آنها برآنند که مفهوم منافع ملی، «مشمول بر زنجیره‌ای از ارزش‌هاست که حکومت آنها را منافع مشترک کل جامعه دانسته است»

1. Charles a. Beard
2. the idea of national interest
3. the open door of home
4. David Singer
5. international studies association (ISA)

(عسگری، ۱۳۸۰: ۹۶). کیسینجر^۱ در کتاب دیپلماسی^۲ با اشاره به اینکه منافع ملی آمریکا همواره بین ایڈتالیسم و رئالیسم در نوسان است، بر رابطه دائمی و پیچیده منافع ملی و ارزش‌های ملی تأکید می‌کند (نصری، ۱۳۸۳: ۲۶۳). در همین امتداد، در رویکردی ایڈتولوژیک، از منظر متفکرانی که منافع ملی را در چهارچوب ارزش‌ها و ایده‌آل‌های جامعه تعریف کرده‌اند، سیاستمداران یک کشور ملزم می‌شوند تا تلاش کنند که در چهارچوب تعیین‌شده توسط ایڈتولوژی و نظام ارزشی حاکم بر جامعه، به تصمیم‌گیری بپردازند؛ در غیر این صورت، تصمیم‌های آنها مغایر با منافع ملی تلقی می‌شود (تاجیک، ۱۳۸۰: ۴۹).

چهارچوب‌های تعریف عناصر و ارزش‌های مرتبط با منفعت ملی را می‌توان به صورت قیاسی و از طریق استدلال منطقی رایج در ادبیات دیپلماسی بین‌المللی تعیین کرد. در این امتداد، بر اساس تعریف رابرت اسگود^۳، مهم‌ترین عناصر و ارزش‌های منافع ملی، عبارتند از: بقای ملی یا حفظ موجودیت کشور که بر حسب تمامیت ارضی، استقلال، حفظ نهادهای اصلی حکومتی، مراتب خودکفایی یا خوداتکایی، وجهه و اعتبار بین‌المللی تعریف می‌شود (Osgood, 1953:5-6). به پیروی از دیدگاه جورج و کیوهین، منفعت ملی را می‌توان در سه ارزش و منفعت تقلیل‌ناپذیر تقسیم کرد:

الف) بقای فیزیکی به معنای ادامه حیات مردم و ملت، نه صرفاً برای حفظ سرزمین و حاکمیت؛

ب) آزادی، یعنی توانایی و آزادی عمل مردم در انتخاب نوع حکومت و اعمال حقوق فردی که به وسیله قانون تعیین می‌شود و از سوی دولت حمایت می‌گردد؛
ج) رفاه اقتصادی.

در این امتداد، اگرچه اغلب منفعت ملی مترادف با خودخواهی ملی تلقی می‌شود، ولی می‌توان تأکید کرد که منفعت جمعی ملت، همواره در تقابل و تعارض با منافع دیگر کشورها نیست. بنابراین، سه نوع منفعت ملی را می‌توان از هم تمییز داد. منافع خودنگر، منافع دگرنگر و منافع جمعی و ملی. منافع خودنگر صرفاً در شرایط خاص و جایی که بحث از ارزش‌های حیاتی در میان است، ضرورت می‌یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۲). منافع دگرنگر بر رعایت حقوق سایر طرفین دلالت دارد و منافع جمعی بر مجموعه‌ای از ضرورت‌ها و قابلیت‌های بقای کلی دلالت دارد.

1. Henry Alfred Kissinger
2. diplomacy
3. Osgood

روزنا^۱ بر استفاده از اصطلاح منافع ملی، در دو عرصه خطامشی‌گذاری و تصمیم‌گیری تأمل کرده، در عرصه اول، منافع ملی را «شاخص اصلی تبیین و ارزیابی سیاست خارجی» فرض نموده، در عرصه دوم، تعهد به منافع ملی را شاخص «توجیه سیاست‌ها و خطامشی‌های ملی و نقد راهبردهای دولت‌های دیگر و موضع‌گیری در برابر آنها» فرض می‌داند (Rosenau, 1961: 239).

واژه «مصلحت» نیز که از حیث وزن و معنا، با منفعت شباهت دارد، بر جلب نفع و دفع ضرر دلالت داشته، به معنای خیر نیز به کار رفته و گاهی بر اموری اطلاق می‌شود که پیامدهای سودمند دارند. مفهوم مصلحت با مفاهیمی همچون «حقوق، تعهدات، مسئولیت و عقلائیات نیز ارتباط داشته، از بین بدیل‌های گوناگون، به نوعی ترجیح و گزینش اشاره دارد» (قربان‌زاده، ۱۳۸۱: ۶۸). این واژه، کاربردهای متعددی داشته و گاهی درباره منافع عمومی، برای توجیه عملکرد خاص حکومت‌ها مطرح می‌شود (جاوید، ۱۳۸۸: ۲۳). در رویکرد فقهی نیز مصلحت، دال بر منفعتی است که شارع حکیم بر بندگانش فرض می‌نماید؛ نظیر حفظ دین، جان، عقل، نسل، اموال و ابعاد مادی و معنوی حیات انسان (رحمت‌اللهی و پناهی بروجردی، ۱۳۹۰: ۱۲۶). با ترکیب واژه مصلحت و واژه عمومی، مفهوم «مصلحت عمومی» شکل می‌گیرد. مصلحت عمومی در ادبیات رایج، به معنی «صواب، شایستگی و صلاح» بوده، در قلمرو سیاست، بر «اقدام در راستای افزایش امکانات برای دستیابی به مقصدی عمومی» دلالت دارد و در حقوق عمومی، «ناظر بر استدلالی است که بر پایه آن، حکومت به توجیه عملکرد خود در ارتباط با قانون و اخلاق عمومی می‌پردازد». این اصطلاح در حکومت اسلامی، مدار همه احکام حکومتی است و اختیارات ولایت فقیه و دولت اسلامی در وضع قوانین لازم برای اداره جامعه اسلامی را فراتر از احکام اولیه و ثانویه، مدنظر قرار می‌دهد (جاوید، ۱۳۸۸: ۲۸-۲۵). گروهی مصلحت عمومی را دال بر منافع و سعادت عموم مردم، انسان‌ها و جامعه و کشور تلقی می‌کنند. در این رویکرد، مصلحت عمومی «بر منافع عمومی جامعه و ارضای نیازها، تحقق خواسته‌ها و احترام به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و آداب و رسوم همگانی دلالت دارد» (قربان‌زاده، ۱۳۸۱: ۶۸). نکته مهم این است که در برخی مکاتب فلسفی سیاسی، مصالح عمومی بر مصالح فردی اولویت می‌یابند (رحمت‌اللهی و پناهی بروجردی، ۱۳۹۰: ۱۲۸)؛ درحالی‌که در برخی دیگر، اولویت با مصالح و منافع فردی است. اسلام موضعی متعادل داشته و بر این مهم تأکید دارد که هیچ‌کس حق ندارد که مصالح فرد را قربانی جامعه یا مصالح جامعه را قربانی فرد سازد و درنهایت، تأکید اسلام بر آن است که مصلحت عمومی نباید با سنت تقلین مخالفت داشته باشد (رحمت‌اللهی و پناهی بروجردی،

1. James Rosenau

۱۳۹۰: ۱۲۹). بودنهایمر^۱ در مقاله‌ای تحت‌عنوان «درآمدی بر نظریهٔ مصلحت عمومی^۲»، بر آن است که «همه اقداماتی که خواست انسان را برای مشارکت مثبت و سازنده در توسعه تمدن و خدمت به آن جلب می‌کنند را می‌توان در زمره مصالح عمومی مدنظر قرار داد؛ زیرا چنین اقداماتی موجب پیشبرد خیر و مصلحت برای همهٔ آحاد جامعه می‌شوند». یکی دیگر از پژوهشگران این مفهوم را چنین تعریف می‌کند: مصلحت عمومی، همانا «تأمین حقوق، حفظ ارزش‌ها و تحقق اهداف غایی جامعه انسانی، در موقعیت‌های گوناگون است» (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۳).

برای تعریف عملیاتی منفعت ملی، می‌توان به سازوکارها و ساختار تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری متولیان امر حکومت و نیز فراگردهای موجود در سیستم‌های مدیریتی و شاخص‌های برآمده از آنها در روند اداره دولت اشاره کرد.

جایگاه منفعت عمومی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی، عالی‌ترین سند حقوقی هر کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر آن است و ابزاری کارآمد برای تفسیر و ترویج دموکراسی محسوب می‌شود. قانون اساسی تعریف‌کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت و تضمین‌کننده حقوق شهروندان هر کشور است که هیچ قانونی نباید با آن مغایرت داشته باشد. در مقدمه قانون اساسی ایران، درباره حکومت چنین آمده است: «حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی، راه خود را به سوی هدف نهایی بگشاید». در اصولی از قانون اساسی ایران، به ابزارهای تحقق مبانی اهداف ملی، در امتداد پی‌ریزی اقتصادی سالم و عدالت‌گرا، با هدف تأمین حقوق آحاد جامعه، اشاره شده است.

البته روح التزام به تحقق منافع عمومی و ملی، در همه اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، احساس می‌شود. توجه به تساوی حقوق (اصل ۱۹)، تضمین حقوق زنان (اصل ۲۰)، مصونیت حیثیت و جان و مال (اصل)، آزادی مطبوعات و احزاب (اصل ۲۴)، حق داشتن شغل (اصل ۲۸)، برخورداری از تأمین اجتماعی (اصل ۲۹)، آموزش و پرورش رایگان (اصل ۳۰)، منع اضرار به غیر (اصل ۴۳)، توزیع عادلانه منابع طبیعی و درآمدهای عمومی، دریافت ثروت‌های نامشروع و رد آن به صاحبان اصلی (اصل ۴۵)، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی (اصل ۱۵۲)، حمایت از مستضعفین در هر نقطه از جهان (اصل ۱۵۴) و نظایر آن، همگی از جمله اصول ناظر بر تأمین منافع ملی و تأمین منافع جامعه محسوب می‌شوند. بر اساس متن قانون

1. Edgar Bodenheimer

2. prolegomena to a theory of the public interest

اساسی، «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها و نیز نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌نماید» (ر.ک. اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). در اصل دیگری از قانون اساسی ایران، تأکید شده است که «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب نماید یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق الهی را از طرقی که اصول بعد می‌آید، اعمال می‌کند».

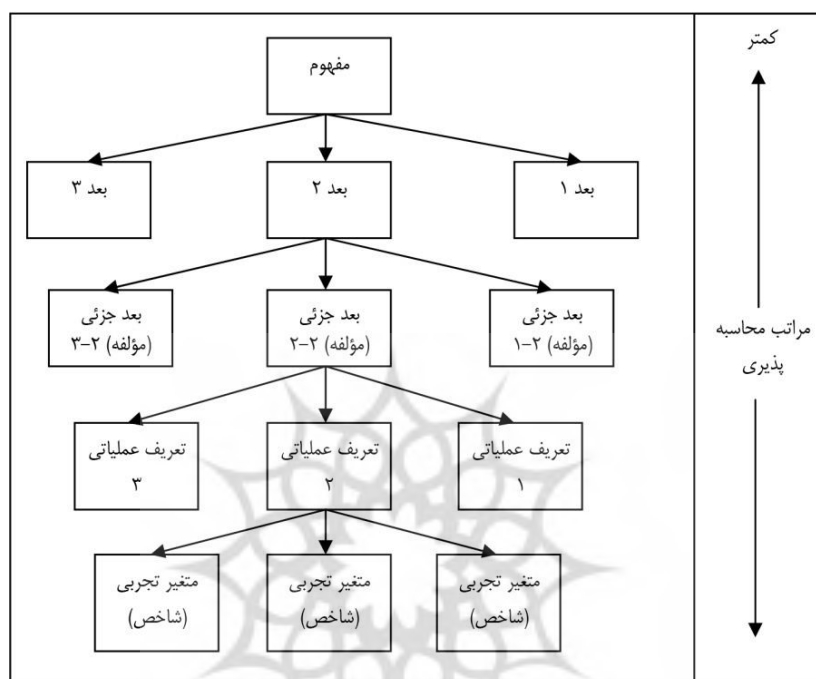
از متن اصول فوق چنین استنباط می‌شود که تأمین منافع ملی و عمومی جامعه، از وظایف اصلی حکومت و دولت است و همگان باید در چهارچوب اصول فوق، درصیانت و نگهداشت از حقوق عامه، اهتمام ورزند و نباید به بهانه‌های واهی و بی‌اساسی چون منافع گروهی، حزبی و جناحی، از خدمت به عامه و رعایت منفعت ملی سرباز زنند (ر.ک. اصل پنجاه و ششم قانون اساسی ایران).

همچنین در اصلی از قانون اساسی ایران، حفظ و تأمین منافع ملی، از وظایف شورای عالی امنیت ملی دانسته شده است. البته علاوه بر شورای عالی امنیت ملی، نهادهای دیگری هم در سطح کلان، با هدف تأمین منافع عمومی و ملی، در سیستم اداری کشور اثرگذارند؛ از آن جمله، می‌توان به نهاد رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی اشاره کرد. البته قوانین عادی مجلس، معمولاً مستقیماً به منافع ملی بر نمی‌گردند بلکه بیشتر منافع عمومی را در نظر دارند، مگر در مواردی خاص؛ نظیر تصمیم مجلس درمقابل به مثل با آمریکا که در جهت حفظ منافع ملی ارزیابی می‌شود (ره‌پیک، ۱۳۸۰: ۸۶). در این مورد، ماجرا از این قرار بود که دادگاه‌های آمریکایی به دفعات، برخلاف همه مقررات بین‌المللی، دولت ایران را به مبالغ کلان محکوم می‌کرد. مجلس ایران نیز در عملی تلافی‌جویانه، تشکیل دادگاه‌های ویژه‌ای را بر این مبنا تصویب کرد و دولت آمریکا را بابت ضرر و زیان وارده در اثر اقدامات خصمانه بر جامعه ایران، محکوم نمود. در نهایت، این اقدام موجب شد تا آنها از عمل زیاده‌خواهانه خود دست بردارند (روحانی، ۱۳۹۰، ۷۵۲).

فراگرد شاخص‌سازی از منفعت عمومی

بعضی از مفاهیم، از ابعاد نظری و ابعاد جزئی گوناگون برخوردارند و این ابعاد جزئی را می‌توان به تعدادی معرف عملیاتی و متغیر تجربی تقسیم کرد. طراحی شاخص اصلی از این مفاهیم، از

طریق ترکیب ابعاد جزئی مذکور انجام می‌شود. به‌طور کلی فراگرد شاخص‌سازی برای منفعت عمومی، در نمودار زیر نشان داده شده است (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸ و ۱۹):



نمودار ۱. فراگرد شاخص‌سازی (بر اساس: آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۹)

با در نظر گرفتن فراگرد فوق و با توجه به جایگاه منفعت عمومی در قانون اساسی که در بخش قبل آورده شد، ملاحظه می‌شود که قانون اساسی در ارتباط با منفعت عمومی، فقط در حد ابعاد و مؤلفه‌ها پیش رفته و به شاخص‌ها نپرداخته است. بنابراین، در پژوهش فوق تلاش شده است تا ضمن تحلیل محتوای قانون اساسی، برای تدوین شاخص‌ها، از روش مصاحبه با خبرگان استفاده شود.

پیشینه پژوهش

اگرچه تاکنون پژوهش‌هایی در این باره، در داخل و خارج کشور انجام شده‌اند، با توجه به ارتباط تنگاتنگ منافع ملی با حوزه‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، بیشتر این پژوهش‌ها در این

قلمروهای علمی سامان یافته‌اند. از جمله پژوهش‌های فوق، پژوهشی است که به مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است و دولت و دیپلماسی خارجی را از حیث ارتباط با منافع عمومی (طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴) مدنظر قرار داده است. در پژوهش یادشده بر ضرورت تغییر گفتمان و ادبیات گفتمان دیپلماسی دلالت داشته، به صراحت تمام، موضوع گفتگوی تمدن‌ها و تغییر نگرش دولت‌مردان به سوی افزایش گفتمان را رصد کرده است (درویشی و فردی تازه‌کند، ۱۳۸۷). در پژوهش دیگری که در حوزه اقتصاد انجام شده است، با عنوان «منافع ملی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر حقوق اساسی ایران»، ضمن بررسی ارتباط بین منافع ملی و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر حقوق اساسی، به ابعاد حقوقی مقوله منافع ملی پرداخته شده است. این پژوهش با رویکردی واقع‌بینانه و در عین حال آرمانی، در صدد معرفی واقعیت‌ها و آرمان‌های بین‌المللی، انسان و جامعه، برای دستیابی به منافع ملی بوده است. دستاورد این پژوهش، استخراج ویژگی‌های منافع ملی از قانون اساسی و انطباق ماهیت آن با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است (خوش‌چهره و عظیمی شوستری، ۱۳۹۳).

در پژوهش دیگری با عنوان بررسی منفعت عمومی در حوزه حقوق عمومی، ضمن تبیین مفهوم منفعت عمومی، مبانی آن از منظر حقوقی و قوانین بالادستی و نیز کاربرد مفهوم فوق در بخش‌های دولتی و خصوصی، مورد ارزیابی قرار گرفته است. در پژوهش فوق، مفهوم منفعت عمومی با تأمل بر مفهوم خدمات عمومی و کالاهای عمومی، شیوه‌های گوناگون ارائه خدمات عمومی (با تأکید ویژه بر قوانین و مقررات موضوعه)، برشمرده شده است و در نهایت، بر حضور قاطع و صریح این مفهوم، در جای جای قانون اساسی ایران، تأکید شده است.

هر چند مفهوم منفعت و شاخص‌های معرف آن، از کشوری به کشور دیگر متفاوتند، ولی می‌توان برخی از این مفاهیم را در سطح کلان و فارغ از حوزه‌های خصوصی و متفرق بحث، با تأمل بر مفهوم منافع جمعی و گروهی مورد مطالعه قرار داد. برای نمونه، ممکن است دولت‌ها در امر مبارزه با بیماری‌های واگیر و منطقه‌ای با همدیگر همکاری کنند یا در بحث مبارزه با مواد مخدر همراهی داشته باشند. واضح است که در این موارد، منافع عمومی خود و دیگری (سایر کشورها) ادغام شده، تاحدودی هم‌نوا و یکنواخت خواهد شد.

روش پژوهش

این پژوهش با ابزار مصاحبه و تحلیل تم انجام شد. هدف از آن، ارائه تعریفی جامع و کامل از منفعت عمومی و به‌کارگیری عناوین مشابه از قبیل منافع ملی، مصلحت عمومی (ملی) و پیشنهادهایی در باره نحوه تدوین شاخص‌های مفهوم‌پردازی از اصطلاح منفعت عمومی بود.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، علاوه بر اینکه تعریف دقیقی از منفعت عمومی وجود ندارد، حتی تاکنون شاخص‌های مناسبی برای مفهوم‌پردازی از آن، تدوین نشده‌اند. ضمن اینکه در قانون اساسی نیز اشاره‌ای به این شاخص‌ها نشده است. طبق نمودار شاخص‌سازی، در این امتداد، صرفاً ابعاد و مؤلفه‌های کلان منفعت عمومی مستندسازی شده‌اند. در این پژوهش، علی‌رغم این محدودیت‌ها، پس از تحلیل محتوای قانون اساسی و تعیین ابعاد و مؤلفه‌های کلان معرف منفعت عمومی، برای تدوین شاخص‌ها، از روش مصاحبه با خبرگان استفاده شد و با تحلیل تم‌های حاصل از آن، مجموعه شاخص‌هایی پیشنهاد گردید. در این پژوهش، به‌طور ویژه، از روش تحلیل محتوا و تم استفاده شده است.

الف) تحلیل محتوا

تحلیل محتوا از تکنیک‌های تحلیل اسنادی در پژوهش‌های علوم اجتماعی است که هدف از انجام آن، تحلیل و بررسی محتوای اسناد و متون مورد نظر است (ضیابروجنی، ۱۳۹۲: ۵۳). کریپندورف^۱ تحلیل محتوا را «تکنیکی پژوهشی بر می‌شمرد که به منظور استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها، در مورد متن آنها به کار می‌رود». او هدف از انجام این تحلیل را همانند سایر تکنیک‌های پژوهشی، فراهم نمودن شناخت، بینش نو و تصویر واقعیت، می‌داند (کریپندورف، ۱۳۷۸: ۲۵). این روش، به ثبت واقعیت از برداشت‌ها و دیدگاه‌های گوناگون کمک می‌کند. نئوندورف نیز «تحلیل محتوا را تحلیل سامان‌مند، عینی و کمی ویژگی‌های پیام می‌داند که شامل فعالیت‌هایی نظیر بررسی دقیق مرادفات انسانی، تحلیل ویژگی تصاویر در آگهی‌های تجاری تلویزیون، فیلم‌ها و رمان‌ها، بررسی رایانه‌ای کاربرد کلمات در اخبار منتشره و سخنرانی‌های سیاسی می‌شود» (Neuendorf, 2002: 1).

تحلیل محتوا معمولاً به دو روش کمی و کیفی تقسیم می‌شود؛ کرلینجر^۲ تحلیل محتوای کمی را «شیوه سامان‌مند، عینی و کمی برای اندازه‌گیری متغیرها (شاخص پژوهش‌های کمی) و تجزیه و تحلیل آنها» می‌داند. تحلیل محتوا به عنوان یک فن پژوهش برای توصیف عینی، سامان‌مند و کمی ظاهر محتوای مورد بحث، به کار می‌رود. مواد خام برای تحلیل محتوا، ممکن است هر نوع سند یا مدرک معتبر و مرتبط با موضوع پژوهش باشد (Berlson, B. 1952:18). تحلیل محتوای کمی باید از چهار ویژگی عینی‌بودن، منظم بودن، آشکار بودن و کمی بودن برخوردار باشد. تحلیل محتوای کیفی نیز در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود می‌یابد. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان «روش پژوهشی برای تفسیر ذهنی محتوایی

1. Krippendorff

2. Kerlinger

داده‌های متنی از طریق فراگردهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده» دانست (Hsiu & Shanon, 1998: 141).

ب) تجزیه و تحلیل تم

تحلیل تم نیز یکی از روش‌های اساسی تحلیل در پژوهش‌های کیفی است. این روش برای شناسایی، تحلیل و گزارش دادن الگوهای (تم‌های) موجود در داده‌ها به کار می‌رود. تم در اصل، مهم‌ترین پاسخ و معنای موجود در داده را در رابطه با سؤال پژوهش نشان می‌دهد (Braun & Clarke, 2006). رایان و برنارد^۱ کدگذاری موضوعی (تم) را به منزله یک فراگرد مهم در بسیاری از تحلیل‌های سنتی (مانند گراند تئوری) شناسایی کرده‌اند. در واقع تحلیل تم، روشی برای شناسایی تم‌های مفهومی موجود در داده‌هاست که به سازماندهی و توصیف داده‌ها، در جزئیات غنی‌سازی شده، کمک می‌کند؛ ضمن اینکه می‌تواند از این فراتر رفته و جنبه‌های گوناگون موضوع پژوهش را تفسیر کند (Guest et al., 2011: 10). البته در تحلیل تم، تم‌ها از داده‌ها استخراج می‌شوند و توسط پژوهشگر تحمیل نمی‌گردند. در این تحلیل، گاهی مراحل جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل، به‌طور همزمان انجام می‌گیرند. حتی مروری بر پیشینه پژوهش نیز گاهی بخشی از فراگرد تجزیه و تحلیل را شکل می‌دهد و به شناسایی بهتر تم‌های حاصله کمک می‌کند.

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

در مرحله تجزیه و تحلیل پژوهش، با توجه به روش تحلیل و ادراک مفهوم منفعت عمومی و شاخص‌های مفهوم‌پردازی از آن در پرتو قانون اساسی و نیز تحلیل تم‌های حاصل از مصاحبه با متخصصان امر، نتایج ذیل به دست آمدند:

الف) نتایج حاصل از تحلیل محتوای قانون اساسی

در تحلیل محتوای قانون اساسی، ضمن جستجو در متن قانون اساسی ایران، ابعاد، مؤلفه‌ها و مقوله‌های مرتبط با موضوع پژوهش با نشانه‌گذاری برای هر شاخص در مقوله‌های مدنظر و اشاره به شماره اصول قانون اساسی ایران، انجام شده، موضوع پژوهش در چهار بُعد اصلی، دوازده بُعد فرعی و سیزده شاخص، در قالب نقشه مفهومی پژوهش ارائه شدند و بر مبنای زیر شاخه‌های ابعاد، به روش نشانه‌گذاری تعداد ۲۵ نشانه کدگذاری شدند (نمودار ۲).

1. Ryan & Bernard

جدول ۱. نتایج حاصل از تحلیل محتوای قانون اساسی

شماره رمز (کد) ^۱	مقوله‌ها	تم	
		مؤلفه‌های منفعت عمومی	ابعاد منفعت عمومی
۱۰-۳	اصلاح نظام اداری	استقلال، آزادی و امنیت اقتصادی (۸-۴۳) ^۲	بُعد اقتصادی (۳-۲)
	عدم‌وضع مالیات ظالمانه		
۵۱			
۳۱ / ۱-۴۳	تأمین مسکن	رفاه اقتصادی (۱۲-۳)	بُعد اقتصادی (۳-۲)
۲۸ / ۲-۴۳ / ۳-۴۳ / ۴-۴۳ / ۸۱ / ۸۲	تأمین اشتغال		
۵۰	حفظ محیط زیست		
۱۳-۳ / ۵-۴۳ / ۶-۴۳ / ۹-۴۳	توسعه تولیدات داخلی و نحوه مصرف آنها	عدالت اقتصادی (۱۲-۳)	بُعد اقتصادی (۳-۲)
۹-۳ / ۱۲-۳ / ۵-۴۳ / ۶-۴۳ / ۴۸ / ۱۰۱	توزیع عادلانه درآمدها و فعالیت‌ها (فرصت‌های فعالیت)		
۲۹ / ۱-۴۳	تأمین خدمات درمانی	رفاه اجتماعی	بُعد اجتماعی (۳-۲)
۳۱ / ۱-۴۳	تأمین مسکن		
۲۹	تأمین اجتماعی	امنیت اجتماعی	بُعد اجتماعی (۳-۲)
۱-۲ / ۲-۳ / ۳-۳ / ۴-۳ / ۳۰ / ۱-۴۳ / ۷-۴۳	توسعه آموزش و پژوهش	رشد اجتماعی و فرهنگی	
۱-۳ / ۹-۳ / ۳۴ / ۱۷۳	دادخواهی و مبارزه با جرایم و مفاسد	امنیت قضایی	بُعد قضایی (۳-۲)
۱۴-۳ / ۲۱	رعایت حقوق زنان	عدالت قضایی	
۱۴-۳ / ۱۲ / ۱۳ / ۱۹	رعایت حقوق اقلیت‌ها		
۷-۳ / ۸-۳ / ۶ / ۹ / ۲۶ / ۲۷ / ۱۷۵	تأمین آزادی سیاسی و مشارکت عمومی	آزادی	بُعد سیاسی (۳-۲)
۱۲-۲ / ۵-۳ / ۶-۳ / ۱۱-۳ / ۹ / ۱۴۳ / ۱۵۲ / ۱۵۳	نفی سلطه و استعمار و حفظ استقلال	استقلال	
۳ / ۹ / ۷۸ / ۱۴۳ / ۱۴۵ / ۱۴۶ / ۱۴۸ / ۱۵۱ / ۱۵۲ / ۱۷۶-۱۷۰	تقویت بنیه دفاع ملی و تمامیت ارضی	امنیت سیاسی	
۱۵-۳ / ۱۶-۳ / ۱۱ / ۱۴ / ۱۵۲ / ۱۵۴ / ۲-۱۷۶	بهبود رابطه یا پرهیز از رابطه با سایر کشورها	روابط خارجی	

۱. در این پژوهش، پژوهشگران شماره اصول قانون اساسی را به منزله شماره کدها در نظر گرفته‌اند (مثل شماره ۵۱ در مقوله عدم‌وضع مالیات).

۲. منظور از (۸-۴۳) عبارت است از کد هشتم در اصل چهل و سوم.

این مؤلفه‌ها بر حسب مراتب ارتباط با منفعت عمومی، به‌طور کلی و با تسامح استخراج شده‌اند تا در مرحله بعد، با دقت بیشتر مورد قضاوت قرار گیرند. بنابراین، تلاش شد که این مؤلفه‌ها، در صورت هرگونه ارتباط احتمالی با منفعت عمومی، متمایز گشته، مدنظر قرار گیرند.

(ب) نتایج حاصل از تحلیل تم‌های مصاحبه‌ها

در تحلیل تم‌های حاصل از مصاحبه با متخصصان امر نیز نتایج ذیل به دست آمدند: همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده شد، قانون اساسی اشاره‌ای به شاخص‌های سنجش منفعت عمومی نکرده و فقط ابعاد و مؤلفه‌های منفعت عمومی را معرفی و مستند نموده است. از این‌رو، پژوهشگران بعد از تحلیل محتوای قانون اساسی و استخراج ابعاد و مؤلفه‌های منفعت عمومی از آن، برای تدوین شاخص‌ها، به مصاحبه با خبرگان پرداخته‌اند. برای این‌که شاخص‌های مفهوم‌پردازی از منفعت عمومی، براساس قانون اساسی تدوین شوند، سؤالات مصاحبه نیز بر مبنای ابعاد و مؤلفه‌های منفعت عمومی در قانون اساسی، طراحی شدند.

نکته مهم این است که در مصاحبه نمی‌توان از قبل مشخص کرد که چه تعداد افراد باید انتخاب شوند تا پدیده مورد علاقه در مطالعه کیفی، به‌طور کامل شناسایی گردد. تعداد افراد مورد مصاحبه یا به عبارت دیگر، اندازه نمونه، به اشباع نظری^۱ سؤالات مورد بررسی بستگی دارد. به صورت آرمانی، ما تا زمانی اطلاعات را جمع‌آوری می‌کنیم که به نقطه اشباع^۲ برسیم؛ یعنی جایی که هیچ داده جدید، مرتبط به یک مقوله به دست نیاید و مقوله مورد نظر، از لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد، به خوبی پرورش یافته باشد و گوناگونی‌های ابعاد آن بارز شده باشند و روابط میان مقوله‌ها، به خوبی مشخص و اعتبارشان شناسایی شده باشد.

این اشباع نظری، مهم‌ترین موضوع مرتبط با نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی بوده، پژوهشگر باید تا زمانی که سیر شناسایی مقوله‌ها اشباع شود، به گردآوری داده‌ها پردازد؛ در غیر این‌صورت، نظریه یا مدل حاصله، ناهموار و فاقد غنا و دقت خواهد بود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۲۳۰). لینکلن و گوبا^۳ برآنند که در مطالعه‌ای که با دقت هدایت شده و در آن، انتخاب نمونه به صورت تکاملی و تعاقبی بوده باشد، احتمالاً می‌توان با حدود ۱۲ شرکت‌کننده به نقطه اشباع رسید و بعید است که این تعداد، بیشتر از ۲۰ گردد.

1. theoretical saturation
2. saturation
3. Lincoln & Guba

تعداد نمونه‌های موردنیاز برای انجام مصاحبه، بستگی به هدف مطالعه دارد. در صورتی که هدف از مطالعه، آزمون فرضیه‌ها باشد، حداقل شش نمونه (سه نمونه از هرکدام از گروه‌های موردمقایسه)، موردنیاز است. در صورتی که هدف از مصاحبه، اکتشاف و توصیف عقاید و نگرش‌های مصاحبه‌شوندگان باشد، باتوجه به زمان و منابع قابل‌دسترس، تعداد (۱۰ تا ۱۵) نمونه برای انجام مصاحبه کافی خواهد بود (Kvale, 1996: 101).

در این پژوهش، تعداد نمونه‌های انتخاب شده، برابر ۹ نفر بود که از این تعداد ۶ نفر عضو هیأت علمی دانشگاه و ۳ نفر دانشجوی مقطع دکتری بودند. اعضای هیأت علمی از دانشکده مدیریت دانشگاه تهران و دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی انتخاب شدند و دانشجویان مقطع دکتری نیز از گرایش مدیریت تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی برگزیده شدند.

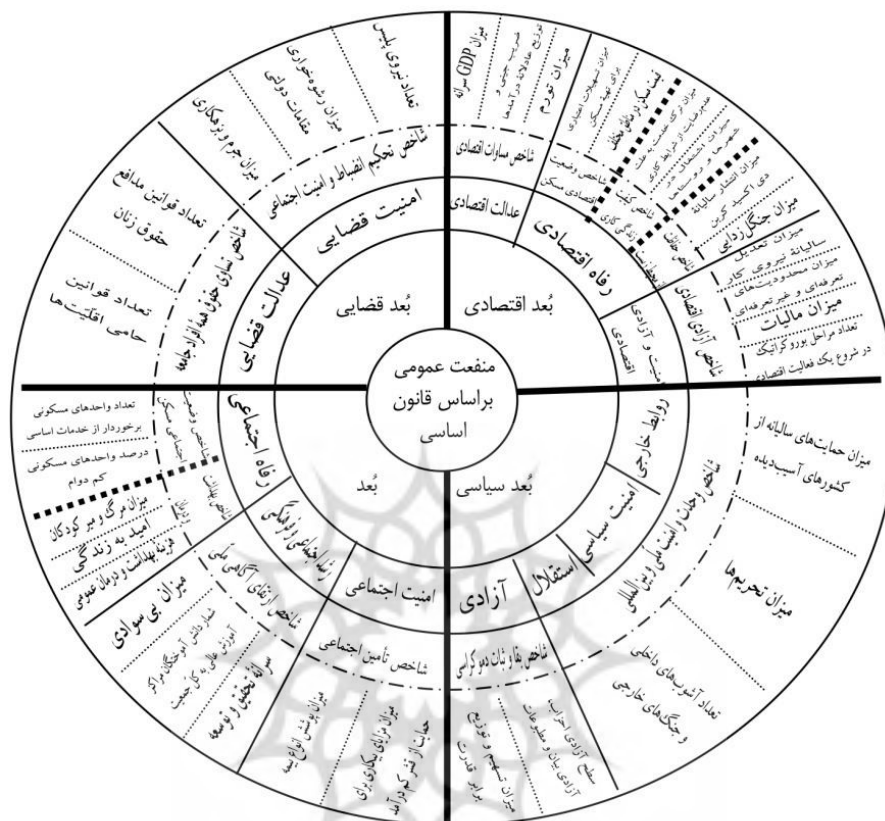
با انجام این تعداد مصاحبه، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که اطلاعات گردآوری شده به اشباع رسیده و نیازی به انجام مصاحبه‌های بیشتر نیست. در انتخاب این تعداد نمونه، مسائلی همچون زمان، در دسترس بودن مصاحبه‌شوندگان و میزان همکاری آنها، موردتوجه بوده است.

بسط یافته‌ها

در ابتدای مصاحبه، هدف از پژوهش فوق بیان شد و ضمن تأکید بر درج مطالب آنها در پژوهش علمی، این اطمینان داده شد که در انعکاس مطالب، رعایت امانتداری و رازداری به عمل آمده، از ذکر نام افراد پرهیز می‌گردد. با توجه به پاسخ‌ها و به منظور روشن‌تر شدن مفهوم پاسخ‌های ارائه شده در حین مصاحبه، چنانچه مطالب دیگری مدنظر قرار می‌گرفت، سعی می‌شد در نتیجه پژوهش، مورد استفاده قرار گیرد. در ادامه، پس از مصاحبه اول، تحلیل‌های اولیه انجام شدند و تم‌های استخراجی به استحضار مصاحبه‌شونده بعدی رسیدند و همین‌طور، پس از هر تحلیل، یافته‌های حاصل از مصاحبه افراد قبلی به افراد بعدی ارائه می‌شد. در نهایت، با توجه به تکراری شدن یافته‌ها، از ادامه مصاحبه‌ها صرف نظر شد. در حین پیاده‌سازی متن مصاحبه نیز یادداشت‌های استخراج شده در هر مرحله، در جلسات بعدی مصاحبه تکمیل می‌شد و بدین ترتیب، نقشه تم‌های حاصل از ۹ مصاحبه، به شرح ذیل حاصل شد (نمودار ۲).

مدل خام پژوهش

پس از تحلیل تم‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام گرفته در پژوهش حاضر، نقشه تم‌های به دست آمده در قالب یک نقشه خام یا اولیه، به صورت نمودار ۲ ارائه گردید.



نمودار ۲. مدل خام یا اولیه پژوهش، با تمرکز بر شاخص‌های اساسی حاصل از پژوهش

با توجه به تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده و نیز با در نظر گرفتن این نکته که همه مصاحبه‌شوندگان با موضوع پژوهش آشنا بودند، از آنها خواسته شد تا دیدگاه خویش را درباره مفهوم منفعت عمومی و وجه تشابه و تمایز آن با مصلحت عمومی و شاخص‌های مفهوم‌پردازی از اصطلاح فوق، بیان کنند. برخی از آنها، در برابر هر سؤال، یک یا چند مورد را بیان کردند که پس از مقوله‌بندی داده‌ها، در چهار دسته به شرح زیر طبقه‌بندی شدند:

اول) بُعد اقتصادی

در بُعد اقتصادی، مؤلفه‌های بسیاری مطرح شدند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: عدالت اقتصادی، رفاه اقتصادی و امنیت و آزادی فعالیت اقتصادی؛ با تأکید بر مؤلفه‌های زیر:

۱. مؤلفه عدالت اقتصادی با شاخص مساوات اقتصادی و زیر شاخص‌هایی چون «میزان درآمد سرانه GDP»، «ضریب جینی» و «توزیع عادلانه درآمدها» و «میزان تورم».
۲. مؤلفه رفاه اقتصادی با سه شاخص الف) وضعیت اقتصادی مسکن؛ ب) کیفیت زندگی کاری؛ ج) حفاظت از محیط زیست و زیرشاخص‌هایی چون:
 - شاخص وضعیت اقتصادی مسکن با دو زیر شاخص: میزان تسهیلات اعتباری برای تهیه مسکن و قیمت مسکن در مناطق گوناگون.
 - شاخص کیفیت زندگی کاری با دو زیر شاخص: میزان ترک خدمت به علت عدم رضایت از شرایط کاری و میزان اشتغال در شهرها و روستاها.
 - شاخص حفاظت از محیط زیست با دو زیر شاخص: میزان انتشار سالیانه دی اکسید کربن و میزان جنگل زدایی.
۳. مؤلفه امنیت و آزادی فعالیت اقتصادی با شاخص مراتب آزادی اقتصادی و زیر شاخص‌هایی چون تعدیل سالیانه نیروی کار، حجم محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، میزان مالیات و تعداد ضوابط و مراحل بوروکراتیک در حین شروع فعالیت اقتصادی.

دوم) بُعد اجتماعی

- در بُعد اجتماعی، سه مؤلفه اصلی به شرح ذیل احصاء شدند: رفاه اجتماعی؛ رشد اجتماعی و فرهنگی و امنیت اجتماعی.
۱. مؤلفه رفاه اجتماعی با دو شاخص وضعیت اجتماعی مسکن و بهداشت و درمان، با زیر شاخص‌های زیر:
 - شاخص وضعیت اجتماعی مسکن و زیر شاخص‌هایی چون تعداد واحدهای مسکونی برخوردار از خدمات اساسی و درصد واحدهای مسکونی کم دوام.
 - شاخص بهداشت و درمان با زیر شاخص‌هایی چون میزان مرگ و میر کودکان، میزان امید به زندگی و سرانه هزینه‌های بهداشت و درمان عمومی.
 ۲. مؤلفه رشد اجتماعی و فرهنگی با شاخص بهبود آگاهی ملی و زیرشاخص‌های زیر: میزان بی‌سوادی، شمار دانش‌آموختگان مراکز آموزش عالی به کل جمعیت و سرانه تحقیق و توسعه.
 ۳. مؤلفه امنیت اجتماعی با شاخص تأمین اجتماعی و زیر شاخص‌های زیر: میزان پوشش انواع بیمه و میزان مزایای بیکاری برای حمایت از قشر کم‌درآمد.

سوم) بُعد قضایی

در بُعد قضایی، دو مؤلفه به شرح ذیل مطرح شدند:

- امنیت قضایی و عدالت قضایی.

۱. در مؤلفه امنیت قضایی، با شاخص تحکیم انضباط و امنیت اجتماعی، زیر شاخص‌هایی چون تعداد نیروی پلیس، میزان رشوه‌خواری مقامات دولتی و میزان جرم و بزهکاری، مدنظر قرار می‌گیرند.
۲. در مؤلفه عدالت قضایی با شاخص تساوی حقوق آحاد جامعه، زیر شاخص‌هایی چون تعداد قوانین مدافع حقوق زنان و تعداد قوانین حامی اقلیت‌ها، مدنظر قرار می‌گیرند.

چهارم) بُعد سیاسی

در بُعد سیاسی، چهار مؤلفه به شرح ذیل مطرح شدند: روابط خارجی؛ امنیت سیاسی؛ استقلال و آزادی.

یک الی سه) در باب سه مؤلفه روابط خارجی، امنیت سیاسی و استقلال، شاخص وحدت و امنیت ملی و بین‌المللی قابل ذکر است و در ذیل آن، سه زیر شاخص تحت عنوان میزان حمایت‌های سالیانه از کشورهای آسیب‌دیده، میزان تحریم‌ها و تعداد آشوب‌های داخلی و جنگ‌های خارجی، مدنظر قرار می‌گیرند.

چهار) در باب مؤلفه آزادی، شاخص بقا و ثبات دموکراسی و زیر شاخص‌هایی چون سطح آزادی احزاب، آزادی بیان و مطبوعات و میزان تسهیم و توزیع برابر قدرت، مدنظر قرار می‌گیرند.

همان‌طور که در نقشه خام پیداست، منفعت عمومی، مفهومی چندجانبه و چند بعدی است که از هر جنبه دارای اهمیت ویژه‌ای است. به‌طور کلی، برای تأمین و ارتقای منافع عمومی، باید اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و قانونی جامعه مطلوب باشد. به عبارت دیگر، هرگونه تلاش دولت در زمینه تأمین رفاه و رفع فقر، برقراری نظم و امنیت و وحدت، حفظ تمامیت ارضی، آزادی و عدالت همه‌جانبه، گامی است در جهت حفظ و افزایش منافع عامه. اما برای سنجش اینکه دولت تا چه اندازه توانسته است منفعت عمومی را تأمین کند، وجود سنجه‌هایی ضرورت دارد. سنجه‌هایی همچون میزان بی‌سوادی در جامعه، میزان اشتغال در مناطق گوناگون در مقایسه با سنجه‌هایی چون میزان مالیات، میزان تورم، میزان جرم و بزهکاری، میزان بیابان‌زایی و نظایر آن. این شاخص‌ها، از جمله شاخص‌هایی هستند که ضمن مشخص کردن میزان توسعه هر کشور (در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و قضایی)، میزان توفیق دولت را در تأمین منافع عمومی قابل سنجش می‌سازند.

نکته دیگر اینکه نقشه خام فوق، با تمرکز بر ابعاد، مؤلفه‌ها و مهم‌ترین شاخص‌های سنجش منفعت عمومی طراحی شده است. البته مرزبندی‌های موجود در نقشه، مطلق نبوده و نمی‌توان ادعا کرد که شاخص‌های سنجش هر مؤلفه یا هر بُعد، صرفاً همان مؤلفه یا بُعد را می‌سنجد و برای اندازه‌گیری سایر مؤلفه‌ها و ابعاد، کارآمد نیست. همچنین نمی‌توان ادعا کرد که این شاخص‌ها برای سنجش آن مؤلفه یا بُعد، کافی خواهند بود. ضمن این که مؤلفه‌ها و ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و قضایی بر هم اثر گذاشته و از هم تأثیر می‌پذیرند؛ بنابراین، می‌توان شاخص‌هایی را یافت که به سنجش چند بُعد متفاوت کمک می‌کنند؛ برای مثال، شاخص کیفیت زندگی کاری که به اندازه‌گیری میزان رفاه اقتصادی کمک می‌کند، می‌تواند برای سنجش مؤلفه‌های عدالت و امنیت اقتصادی نیز مفید باشد. همچنین هر چند شاخص سطح مشارکت سیاسی و اجتماعی در شمار شاخص‌های سنجش آزادی سیاسی در نظر گرفته شده است، می‌توان به وسیله آن، میزان آزادی اجتماعی را نیز سنجید؛ همچنین می‌توان این نکته را مدنظر قرار داد که رابطه شاخص وضعیت مسکن که همزمان برای سنجش میزان رفاه اقتصادی و اجتماعی به کار می‌رود، برای اندازه‌گیری شاخص‌های مربوط به عدالت اقتصادی نیز قابلیت دارد. خلاصه اینکه شاخص‌های سنجش ابعاد، از هم جدا و منفک نبوده، باید با هم و در ارتباط با هم، مدنظر قرار گیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

منفعت عمومی یکی از مهمترین مقوله‌های قابل بحث در قلمرو علم اداره و خطامشی عمومی است و نقش مهمی در تعریف حدود وظایف و اولویت‌های سیستم خطامشی‌گذاری عمومی دارد. این اصطلاح به‌شدت بر سیاست‌ها و خطامشی‌های مدیریت دولتی تأثیر دارد؛ از این‌رو مطالعه ادبیات منفعت عمومی و شاخص‌های مفهوم پردازی از اصطلاح فوق و تطبیق آن با مفهوم مصلحت عمومی و اصول مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بسیار حائز اهمیت است و در اسناد بالادستی کشور نیز بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین، زمینه مناسبی وجود دارد که با توسعه این اصطلاح و تعریف ابعاد آن، در جهت اهداف توسعه و پیشرفت، تلاش شود.

در نتیجه پژوهش حاضر، که بر اساس تلفیق یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای قانون اساسی و تحلیل تم مصاحبه با خبرگان است، می‌توان منفعت عمومی را این‌گونه تعریف نمود: «منفعت عمومی بر وضعیتی دلالت دارد که عامه مردم یک کشور را بهره‌مند می‌سازد؛ به طوری که با افزایش میزان باسوادی، کاهش میزان مرگ و میر، تأمین هزینه‌های بهداشت و

درمان، کنترل میزان تورم، توزیع عادلانه درآمدها، کاهش میزان بیابان‌زایی، کاهش مراحل بوروکراتیک دریافت مجوز برای شروع فعالیت‌های اقتصادی، کاهش میزان جرم و رشوه خواری، جریان آزادی اطلاعات، ایجاد سیستم پویای ارزیابی ظرفیت‌ها، استفاده بهینه از منابع ملی با رویکردی آینده‌پژوهانه، مهار بحران‌ها و آشوب‌های داخلی و خارجی و نظایر آن، کشور در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و قضایی پیشرفت کرده، شرایط کامیابی و خرسندی ملی فراهم شده، بخش قابل توجهی از حقوق حقه عامه آحاد جامعه تأمین می‌گردد و شرایطی حاصل می‌آید که همه افراد جامعه بتوانند در برابر صاحبان قدرت و حکومت، حقوق حقه خویش را مطالبه نمایند و به منزله ملتی اثربخش، زمینه‌های حضور مؤثر در عرصه‌های بین‌المللی را فراهم سازند.

در پژوهش حاضر، به نکاتی اساسی در باره موضوع منفعت عمومی اشاره شد؛ به‌ویژه به سبب اهمیت آن در فضای اداری و عرصه خط‌مشی‌گذاری کشور، با اتکاء بر قوانین بالادستی به‌ویژه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با تأکید بر بهبود وضعیت معیشتی عامه جامعه؛ ولی هنوز، برای تبیین جایگاه منفعت عمومی و کمک به خط‌مشی‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان حکومتی، باید پژوهش‌های بیشتری سامان‌دهی شوند. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) این مطالعه جهت دست‌یابی به شاخص‌های مفهوم‌پردازی از منفعت عمومی صورت گرفته است؛ بنابراین صرفاً به تدوین شاخص‌ها اکتفا نموده، اولویت آنها را مشخص نمی‌کند؛ درحالی که شناخت شاخص‌هایی که تقویت آنها، منافع عمومی بیشتری را تأمین می‌کند، حائز اهمیت بسیار است. لذا به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که به اولویت‌بندی شاخص‌های حاصل از این پژوهش، پرداخته و میزان اولویت آنها (زیاد، متوسط و کم) را در تحقق منافع عامه، بررسی نمایند.

شاخص‌سازی از سویی با تعیین متغیرهای مؤثر بر یک مفهوم، به درک بهتر آن مفهوم می‌انجامد و از سوی دیگر، با کمی‌کردن مفهوم مورد نظر، به اندازه‌گیری تغییرات آن کمک می‌کند. در این پژوهش، برخی از متغیرهای مؤثر بر مفهوم منفعت عمومی مشخص شده‌اند، ولی این مسیر با اهتمام پژوهشگران آتی به تعیین مقدار عددی مناسب برای هر یک از شاخص‌ها، قابل تکمیل است؛ به‌نحوی که بتوان میزان تحقق منفعت عمومی را در یک بازه زمانی معین، با یک شاخص کلی محاسبه کرد و از جنبه کمیت و کیفیت، مورد استناد قرار داد.

پس از محاسبه میزان منفعت عمومی در یک زمان معین، مقایسه آن با دوره‌های زمانی پیشین، برای تعیین میزان پیشرفت یا پسرفت کشور بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، توصیه می‌شود که این مقایسه بین ایران و سایر کشورها انجام شود و با بهره‌گیری از تجربیات موفق

سایر کشورها، برای تعدیل و بهبود شرایط کشور در جهت توسعه منافع عمومی و ملی، اقدام گردد.

د) این پژوهش ممکن است مانند هر پژوهش کیفی دیگر، تحت تأثیر دیدگاه پژوهشگران قرار گرفته باشد؛ بنابراین تجدید نظر در روش، نتایج و شیوه استدلال پژوهشگران حاضر در جهت نیل به نتایج بهتر، درخور توجه و تأمل است.

مآخذ

استراوس، انسلم، کوربین، جولیت (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.

پورسعید، فرزاد (۱۳۸۱). ۱۱ سپتامبر و تحول مفهوم منافع ملی: گذر از منافع ملی به منفعت نظام جمهوری اسلامی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۵، شماره ۳ و ۴، ۷۱۰-۶۹۳.

پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۰). *مبانی مدیریت دولتی*. تهران: سمت.

پورعزت، علی اصغر، دمرچی لو، صدیقه، هاشمی کاسوایی، میناسادات (۱۳۹۴). *منافع ملی و حل مسئله عمومی به مثابه شاخص ارزیابی عملکرد دولت. مدیریت در ایران (ارزیابی عملکرد دولت)*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۰). منافع ملی ما کدامند؟. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۴، شماره ۱ و ۲، ۶۵-۴۷.

جاوید، محمدجواد (۱۳۸۸). *مصلحت عمومی و حقوق عمومی با تأکید بر مفهوم اطلاق ولایت در حکومت اسلامی، فصلنامه حقوق و مصلحت*، سال ۲، شماره ۵، ۴۳-۲۳.

حاج زاده، هادی (۱۳۹۳). *بررسی مفهوم منفعت عمومی*. تهران: دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان.

حسن زاده، اسماعیل (۱۳۸۸). *مصلحت عمومی در اندیشه سیاسی خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ*، سال ۱، شماره ۱، ۷۰-۳۰.

خوش‌چهره، محمد، عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۹۳). *منافع ملی در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت از منظر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های سیاست اسلامی*، سال ۲، شماره ۶، ۵۹-۳۵.

دانائی فرد، حسن (۱۳۹۱). *چالش‌های مدیریت دولتی در ایران*. تهران: سمت.

دانائی‌فرد، حسن، الوانی، سید مهدی، آذر، عادل (۱۳۸۶). روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار اشراقی.

درویشی، فرهاد، فردی‌تازه‌کند، محمد (۱۳۸۷). مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی: دولت خاتمی (۸۴-۱۳۷۶)، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال ۴، شماره ۳، ۱۳۶-۱۰۲.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.

رحمت‌اللهی، حسین، پناهی‌بروجردی، زهرا (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی مصلحت در مکاتب فردگرا و جمع‌گرای غربی و فقه امامیه، مجله حقوق اسلامی، سال ۸، شماره ۲۸، ۱۳۸-۱۰۵.

روحانی، حسن (۱۳۹۰). امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

ره‌پیک، حسن (۱۳۸۰). جایگاه منافع ملی در سیستم حقوقی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۴، شماره ۱ و ۲، ۸۸-۸۱.

ضیابروجنی، پدram (۱۳۹۲). تحلیل محتوای گلستان سعدی از منظر شاخص‌های توسعه منابع انسانی، پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

عسگری، محمود (۱۳۸۰). منافع ملی در عصر جهانی‌شدن، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۴، شماره ۱ و ۲، ۱۱۷-۹۵.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (با رعایت اصلاحات سال ۱۳۶۸) (۱۳۷۷)، دبیرخانه شورای بازنگری قانون اساسی، اداره کل فرهنگی و روابط عمومی، چاپخانه مجلس شورای اسلامی.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با مقدمه و ضمیمه (۱۳۸۰). تهران: نشر جمال.

قربان‌زاده سوار، قربانعلی (۱۳۸۱). مبانی مصلحت عمومی در اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

کریندورف، کلوس (۱۳۷۸). تحلیل محتوا. ترجمه هوشنگ نایب، تهران: روش.

کلینتون، دیوید (۱۳۷۹). دو رویه منفعت ملی. ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نرگسیان، عباس (۱۳۹۰). تئوری‌های مدیریت دولتی. تهران: نگاه دانش.

نصری، قدیر (۱۳۸۳). کد استراتژیک ایران و منافع ملی آمریکا. نشریه راهبرد، سال ۱۱، شماره ۳۱، ۲۶۶-۲۵۸.

- Berlson, B.(1952). *Content analysis in communication research*.Glencoe, IL: Free Press.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2). 77-101.
- Carter, M., & Bouris, A. (2006). *Freedom of Information: balancing the public interest*. Constitution Unit School of Public Policy: University College London.
- Cavanagh, S. (1997). Content analysis: concepts, methods and applications. *Nurse Researcher*, 4(3), 5-16.
- Flathman, R. (1966). *The public interest: an essay concerning the normative discourse of politics*, New York: John Wiley.
- Guest, G., Kathleen M. M., & Namey, E.(2010). *Applied thematic analysis*. London: Sage Publications.
- Hsiu, F., & Shanon. S. (1998). Three approaches to content analysis. *Qualitative Health Research*, 15(9), 137-158.
- Kvale, S. (1996). *Interviews: an introduction to qualitative research interviewing*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Morrison, D. , & Svennevig. M. (2002). *The public interest, the media and privacy*. A Report for British Broadcasting Corporation. Available at: <http://downloads.bbc.co.uk/guidelines/editorialguidelines/research/privacy.pdf> (2016.08.14).
- Neuendorf, K. (2002). *The content analysis guide book*. London: Sage pub.
- Osgood, R.(1953). *Ideals and self-interest in america's foreign relation*. Chicago: University of Chicago Press.
- Rosenau, J. (1961). The national interest; in *the Scientific Study of Foreign Policy*, J. Rosenau, (Ed.), New York: MacMillan Press.